

## بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۰۹

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

### بررسی شبهات وها بیت در مسئله «تقیه» (۷۹) – ملاک وجوب در تقیه (۲)

مباحث ما پیرامون وجوب و ضرورت تقیه بود و بحث کردیم که آیا تقیه در حد یک امر واجب و ضروری است، یا شامل احکام خمس می‌شود؟! ما عرض کردیم که از ادله آن استفاده می‌شود که به عنوان احکام ثانویه، و به عنوان یک امر ضروری است و جایگزینی هم ندارد.

اولین آیه‌ای که در این زمینه بیان کردیم، آیه ۱۹۵ سوره مبارکه بقره بود:

(وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ)

و خویشتن را به دست خود به هلاکت نیفکنید

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۵

ما در این زمینه به طور مفصل بحث کردیم. آیه دوم، آیه جهاد است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جميعاً)

هان ای کسانی که ایمان آوردید سلاح خود بگیرید، و سپس دسته دسته یا یک پارچه به سوی جهاد حرکت کنید.

سوره نساء (۴): آیه ۷۱

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: در هنگام جنگ تمام امکانات دفاعی خود را به کار ببرید. (جذَر) به معنای تمام امکانات دفاعی است؛ حال ممکن است امکانات دفاعی از قبیل سپر، زره و سلاح باشد و فرقی هم نمی‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: به هر نحوی که ممکن است آماده باشید و برای جهاد حرکت کنید.

آقای «طبری» در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

«خذوا جنتکم وأسلحتکم التي تتقون بها من عدوکم لغزوههم وحرهبهم»

سپرها و زره‌های خود را بگیرید این سپر و زره و سلاح را وسیله انتقاء خود از دشمن قرار دهید.

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار

النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۶۴، باب النساء: (۷۱) یا أیها الذین... ..

به عبارت دیگر سلاح، سپر و زره به جهت این است که شما از حمله دشمن در امان باشید، و آن‌ها شما را از بین نبرند و خود را در جنگ با آن‌ها حفظ کنید. دقت کنید که در این آیه شریفه بحث حمله و کشتن نیست و آیه شریفه:

(فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعُدُّوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ)

پس اگر از قبول دعوت خدا اعراض کردند، آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید.

سوره نساء (۴): آیه ۸۹

بحث جدایی است؛ که حمله کردن و کشتن است. اما در این آیه شریفه بحث دفاع کردن و حفظ کردن خود از حمله دشمن است. ما می‌خواهیم از این آیه شریفه استفاده کنیم بر اینکه وقتی در جنگ واجب است یک مسلمان با سلاح، سپر و زره از خود دفاع کند؛ در جای دیگر که می‌تواند با «تقیه» خود را حفظ کند، باید از خود دفاع کند.

«حکم الأمثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد»

آقای «مراغی» هم در تفسیر خود ذیل این روایت می‌نویسد:

«بین فی هذه الآيات بعض الأحكام الحربية والسياسية، ورسم لنا الطريق التي نسیر علیها فی حفظ ملتنا وحکومتنا المبنية علی تلك الأصول من الأعداء»

خداوند متعال در این آیه شریفه بعضی از احکام جنگ از قبیل نظامی و سیاسی را مطرح کرده و بعضی از راههایی که ما می‌توانیم ملت و شعب خود را حفظ کنیم و حکومتمان را که بر اصول اسلامی بنا شده حفظ کنیم را در اینجا بیان کرده است.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا حُذُوا حِذْرَكُمْ) أی احترسوا واستعدوا لاتقاء شر العدو»

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: تلاش کنید پناه یا پناهگاه و وسیله دفاعی داشته باشید و آماده حفظ خودتان از شر دشمن باشید.

«واعرفوا الوسائل لمقاومتهم إذا هجموا واعملوا بتلك الوسائل»

وسائلی که با آن وسائل می‌توانید در برابر هجوم دشمن مقاومت کنید را به کار بگیرید.

«ویدخل فی ذلك معرفة حال العدو»

یکی از چیزهایی که در اینجا به عنوان حرز و سپر و سلاح لازم است، این است که بینیم امکانات و قدرت دشمن چیست؟

«ومعرفة أرضه وبلاده وأسلحته واستعمالها»

بینیم که دشمن چه وسایل جنگی در اختیار دارد و از امکانات دشمن آگاهی داشته باشیم.

«حتى لا يهاجمكم على غرة أو يهددكم في دياركم»

این امکانات را به کار بگیرید تا دشمن در ابتدای امر به شما حمله نکند یا در داخل کشور یا شهر خودتان شما را تهدید نکنند.

«وحتى لا يعارضكم في إقامة دينكم أو دعوتكم إليه»

باید در حدی امکانات محافظتی و سپری داشته باشید که دشمن مانع اقامت احکام و شرایع دینی شما هم نباشد.

تفسیر المرآی، المؤلف: أحمد بن مصطفى المرآی (المتوفى: ۱۳۷۱ هـ)، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۶۵ هـ - ۱۹۴۶ م، ج ۵، ص ۸۷، باب المعنى الجملى

اگر دشمن به سرزمین شما حمله کند و شما را از نماز خواندن، روزه گرفتن و دعوت مردم به اسلام منع کند؛ باید بتوانید از خود دفاع کنید.

با توجه به این مطالب ما می‌خواهیم نتیجه بگیریم شکی نیست که یکی از احکام سیاسی که انسان، جامعه و ملت را حفظ می‌کند «تقیه» است.

همان‌گونه که حمل سلاح، زره پوشیدن و سپر داشتن مانع ضرر دشمن به انسان است، به کار بردن تقیه هم، خود وسیله‌ای برای حفظ نفس و حفظ ملت است.

بنابراین این آیه دلالت می‌کند همان‌طوری که در جنگ، بکار بردن و استفاده کردن از امکانات دفاعی واجب است، تقیه هم که از وسائل دفاع از نفس و مانع ضرر رساندن به جان و مال و عرض است هم واجب است.

در این آیه شریفه که خواندیم وارد شده است:

## (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ)

خداوند متعال در این آیه شریفه بحث جهاد را مطرح نمی‌کند، بلکه می‌فرماید: مجهز باشید تا روزی دشمن حتی در منزل خودتان هم به شما حمله نکند.

مسئله «جهاد» با این مسئله کاملاً متفاوت است؛ همان‌طور که «مراغی» هم می‌گوید، شما باید طوری آماده باشید تا دشمن مانع اقامه فرایض شما نشود. در اینجا بحث به صورت کلی مطرح شده است، (**خُذُوا حِذْرَكُمْ**) به معنای این است که شما باید تمام امکانات دفاعی را به کار بگیرید.

امکانات دفاعی، گاهی مواقع به کار بردن سپر است، گاهی به کار بردن زره است، گاهی حمل شمشیر است، گاهی حفر خندق در اطراف شهر و دیوار کشیدن است، گاهی تهدید دشمن، مانور دادن در برابر دشمن و نشان دادن قدرت نظامی به دشمن است.

دقت کنید همین مانورهای نظامی که امروزه برگزار می‌شود، در حقیقت یکی از مصادیق بارز (**خُذُوا حِذْرَكُمْ**) است. بنابراین این مسئله به صورت کلی بیان شده است.

آیه دوم در مورد نماز خوف وارد شده است. عزیزان به این مسئله خوب دقت کنند که چطور می‌توان از این آیه در این خصوص استفاده کرد. در آیه بعد، یعنی آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء می‌خوانیم که خداوند می‌فرماید:

(وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ)

می‌فرماید الآن وقت جنگ هست و تو ای رسول، در میدان جنگ، در داخل سپاه اسلام هستی؛ وقت نماز هم رسیده است. اگر چنانچه شما بخواهید مشغول نماز بشوید، دشمن از این فرصت استفاده می‌کند و همه شما را تار و مار می‌کند.

البته عده‌ای معتقدند که شأن نزول این آیه شریفه در صلح حدیبیه می‌باشد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در سال ششم هجری به قصد زیارت خانه خدا به مکه رفتند، اما مشرکین مانع ورود ایشان شدند.

«خالد بن ولید» با دویست نفر رزمنده در منطقه‌ای مشرف به سپاه اسلام مستقر شد و مشاهده کرد که مسلمانان برای خواندن نماز آماده می‌شوند.

او فرصت را مناسب یافت و به سپاه خود گفت همه آماده حمله باشید، همین که این مسلمانان مشغول نماز شدند و به رکوع و سجده رفتند حمله می‌کنیم و تمام مسلمانان را قتل عام می‌کنیم.

در این زمان بلافاصله جبرئیل نازل شد و به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا رسول الله! باید نماز خوف بخوانید. جمعیت شما که ۸۰۰ نفر هستند؛ از این تعداد باید ۴۰۰ نفر با شما نماز را شروع کنند یک رکعت بخوانند، رکعت دوم را فرادی بخوانند و جای ۴۰۰ نفر بعدی بروند. ۴۰۰ نفر بعدی، رکعت دوم را با شما می‌خوانند و یک رکعت را هم بعد از اینکه نماز شما تمام شد بخوانند.

«خالد بن ولید» و سپاهیان او مشاهده کردند به مجرد اینکه به فکر توطئه بر ضد مسلمین افتادند، مسلمانان فکر اساسی کردند. حتی گفته شده است یکی از علل مسلمان شدن «خالد بن ولید» همین نماز خوف بوده است. لذا خداوند می‌فرماید:

**(وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتُنْفِئَهُم مِّنْهُم مَّعَكَ)**

و چون خود تو ای پیامبر در بین آنان باشی و بخواهی نماز جماعت بخوانی، همه یکباره به نماز نایستند، بلکه عده‌ای از مؤمنین با تو به نماز بایستند.

ظاهراً تعداد مسلمانان هفتصد، هشتصد نفر بود. شماری از آنان زن و بچه بودند و تعداد رزمنده‌ها بیش از ۸۰۰ نفر نبودند. خداوند متعال فرمودند: نصف مسلمانان با تو به نماز بایستند و زمانی هم که نماز می‌خوانند؛

(وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ)

و اسلحه خویش برگیرند.

مسلمانان باید اسلحه داشته باشند تا اگر کفار حمله کردند، نماز را قطع کنند و از خود دفاع کنند.

(فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَّرَائِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يَصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ)

و چون سجده کردند نماز خود تمام کنند و پشت سر شما بایستند، طایفه دوم که نماز نخوانده‌اند بیایند، و با تو نماز بخوانند.

زمانی که مسلمانان مشغول سجده رکعت اول نماز شدند نماز را تمام کنند و پشت سر بروند تا مسلمانانی که نماز نخواندند بیایند و نماز بخوانند.

(وَ لِيَأْخُذُوا جِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ)

و حتماً اسلحه خویش با خود داشته باشند.

می‌فرماید: دسته دوم که نماز می‌خوانند هم باید سلاح را حمل کنند و هم سپر و زره را حمل کنند. این فرمایش به جهت این است که دشمن متوجه شده است که شما در حال نماز هستید و احتمال حمله خیلی زیاد است. رکعت اول خیلی برای کفار مهم نبوده است، اما زمانی که رکعت اول را خواندید و احساس کردند که شما در حال رکوع و سجده هستید کفار می‌خواهند از فرصت استفاده کنند و به شما حمله کنند. لذا مسلمانان باید سلاح و حذر خود را همراه داشته باشند، زیرا احتمال حمله بیشتر شده است.

(وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أُمَّتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً)

آن‌ها که دچار بیماری کفرند، خیلی دوست می‌دارند شما از اسلحه و بار و بنه خود غافل شوید و یکباره بر شما بتازند.

خداوند متعال می‌فرماید: دشمن دوست دارد که شما به خاطر نماز از اسلحه و امکانات خود غفلت کنید تا یک مرتبه به شما حمله کند.

**(وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ)**

بله اگر بخاطر باران یا بیماری حمل اسلحه برایتان دشوار بود می‌توانید اسلحه را زمین بگذارید.

بعضی از مسلمانان مریض هستند و به خاطر باران امکان اینکه اسلحه، سپر و زره به همراه داشته باشند را ندارند. مثل بعضی از همین رزمنده‌ها که می‌بینید در کنار حمل اسلحه، ۵۰؛ ۶۰ فشنگ هم با خود حمل می‌کند. ما در همایش «مدائن» با یکی از رزمنده‌هایی که لباس رزمی و خشاب و فشنگ با خود حمل می‌کرد صحبت می‌کردیم، از او پرسیدیم وزن این تجهیزات که همراه شماست چقدر است؟! گفت: وزن این خشاب‌ها و تفنگ‌هایی که همراه داریم حدود ۵۰ کیلوگرم است.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: ممکن است عده‌ای مریض باشند و نتوانند تجهیزات جنگی را با خود حمل کنند، آن‌ها می‌توانند یک مرتبه اسلحه خود را زمین بگذارند.

**(وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ)**

اما به شرطی که احتیاط خود را از دست ندهید.

خداوند متعال به مسلمانان سفارش می‌کنند که باید همیشه حالت دفاعی داشته باشند. اگر خواستند اسلحه را هم یک مرتبه بر زمین بگذارند، اما زره را از تن خود بیرون نیاورند.



(إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا)

که خدا برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده است.

سوره مبارکه نساء (۴): آیه ۱۰۲

خداوند متعال در آیه شریفه ۲۳۹ از سوره مبارکه بقره می‌فرماید:

(فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ)

و اگر در حال ترس بودید می‌توانید پیاده و سواره نماز گزارید و چون ایمن شدید خدا را یاد کنید چنان که به شما چیزهایی را که نمی‌دانسته‌اید تعلیم داده است.

سوره بقره (۲): آیه ۲۳۹

اگر دشمن در حالت رکوع و سجده شما هم از فرصت استفاده می‌کند و به شما حمله می‌کند، لازم نیست شما رکوع و سجده بروید و حتی می‌توانید در حال راه رفتن و روی اسب نماز بخوانید و نماز شما در این حالت مورد قبول واقع می‌شود.

از این آیه شریفه چنین می‌فهمیم که نماز خواندن در هر حالتی مرضی رضای خداوند تبارک و تعالی است.

همچنین آقای «سیوطی» در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد:

«أخرج مالك والشافعي وعبد الرزاق والبخاري والبيهقي من طريق نافع قال: كان ابن عمر إذا سئل عن

صلاة الخوف»

مالك و شافعي و عبدالرزاق و بخاري و بيهقي نوشتند: از ابن عمر سؤال می‌کردند که نماز خوف به چه

صورت است.

«قال: يتقدم الإمام وطائفة من الناس فيصلى بهم الإمام ركعة وتكون طائفة منهم بينهم وبين العدو لم يصلوا»

او گفت: امام جلو می‌افتد و بخشی از مردم یک رکعت با آنها می‌خوانند و یک طایفه از مسلمانان بین نمازگزاران و بین دشمن فاصله می‌اندازند.

«فإذا صلى الذين معه ركعة استأخروا مكان الذين لم يصلوا ولا يسلمون ويتقدم الذين لم يصلوا فيصلون معه ركعة»

دسته اول که رکعت اول را با امام خواندند، رکعت دوم را فرادی می‌خوانند و پشت سر می‌ایستند و کسانی که نماز نخواندند می‌آیند.

«ثم ينصرف الإمام وقد صلى ركعتين»

زمانی که امام رکعت دوم را تمام کرد، دسته دوم یک رکعت با امام خوانده بودند و یک رکعت فرادی می‌خوانند.

«فتقوم كل واحدة من الطائفتين فيصلون لأنفسهم ركعة بعد أن ينصرف الإمام فيكون كل واحد من الطائفتين قد صلى ركعتين وإن كان خوف هو أشد من ذلك صلوا رجلا أو قياما على أقدامهم أو ركبانا مستقبلي القبلة أو غير مستقبليها»

اگر جنگ در حالتی انجام می‌شود که امکان اینکه یک بخشی از مسلمانان مشغول نماز و بخشی مشغول جنگ باشند وجود ندارد. در این حالت به صورت جماعت می‌ایستند، امام جلو است و فرمانده هست و رزمندگان اقتدا می‌کنند و سواره نظام به صورت سواره و پیاده نظام هم به صورت پیاده در همان حال نماز می‌خوانند.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت -  
١٩٩٣، ج ١، ص ٧٣٥، باب البقرة: (٢٣٩) فإن خفتم فرجالا... ..

آقای «مراغی» در تفسیر خود می نویسد:

«وإذا سافرتم أي سفر فليس عليكم تضيق ولا ميل عن محجة الدين إذا قصرتم الصلاة: أي تركتم شيئاً  
منها فتكون قصيرة»

این قاعده نماز خواندن تنها مخصوص جنگ نیست، اگر در حال سفر از بلاد کفر هستید و یا از منطقه‌ای  
می‌گذرید که دشمن آنجا را احاطه کرده است. اگر در آنجا یک قافله چند صد نفری و طولانی مشغول  
نماز شوید؛

«بشرط أن تخافوا فتنة الكافرين لكم بالقتل أو الأسر أو غيرهما»

دشمن آنجا حمله می‌کنند و شما را می‌کشند و اموال شما را می‌برند و زنان شما را اسیر می‌کنند.

«وليس هذا خاصا بزمن الحرب»

این طریقه نماز خواندن تنها مخصوص زمان جنگ نیست.

«بل إذا خاف المصلی قطاع الطريق كان له أن يقصر هذا القصر»

اگر مسافران در حال عبور از بیابان هستند و احساس می‌کنند که اگر مشغول نماز شوند، راهزنان حمله  
می‌کنند و به آن‌ها ضربه وارد می‌کنند؛ می‌توانند نماز خود را کوتاه بکنند.

«وليس هذا هو قصر الصلاة الرباعية في السفر المبين في كتب الفقه»

نماز قصری که در کتابهای فقهی ماست، مراد از نماز خوف، آن نماز نیست. این نماز ممکن است در ده یا پانزده کیلومتری از وطن باشد و یا حتی به حد ترخص هم نرسد.

تفسیر المراغی، المؤلف: أحمد بن مصطفى المراغی (المتوفى: ۱۳۷۱ هـ)، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۶۵ هـ - ۱۹۴۶ م، ج ۵، ص ۱۳۸، باب الإيضاح

بنابراین ما با تأمل در این آیه مشاهده می‌کنیم که خداوند تبارک و تعالی دستور می‌دهد اگر چنانچه شما احساس کردید دشمن می‌خواهد به شما ضرر یا خطری وارد کند، در اینجا شما باید حکم الهی چهار رکعت را به صورت دو رکعتی بخوانید.

همچنین کسانی که دو رکعت می‌خوانند هم دو دسته می‌شوند؛ دسته اول یک رکعت را به صورت جماعت و رکعت دوم را فردی می‌خوانند و دسته دوم در رکعت دوم نماز جماعت به صف نماز می‌پیوندند.

بنابراین این آیه شریفه نشانگر این است که اگر فتنه‌ای از کفار، خطر یا ضرری در میان بود، حکم الهی تغییر می‌کند.

حال چنانچه اگر ما در میان مشرکین، کفار یا حکام ظالم قرار بگیریم و همانند شیعیان وضو بگیریم قطعاً جان، مال و عرض ما در خطر است؛ در این حالت برای حفظ جان، مال و عرض، باید وضویی که خداوند و پیغمبر اکرم به آن سفارش کردند را ترک کنیم و وضوی دیگری بگیریم!

همچنین اگر می‌خواهیم نماز بخوانیم، یا بحث اظهار به شهادت ثالثه مطرح می‌شود و هر امری که مربوط به حفظ جان از خطر دشمن است، با توجه به این آیه شریفه تغییر پیدا می‌کند.

در حقیقت این آیه، یک حکم شرعی است؛ همان‌طور که بعضی از مفسرین دارند به مجرد اینکه خطری متوجه انسان بشود، باید احکامی را که انسان واجب است انجام بدهد طوری تغییر بدهد که جان او حفظ شود. آیا تقیه هم جزو این موارد هست یا نه؟! قطعاً اینطور است.

اگر شرایطی به وجود آمده که من گمان می‌کنم اگر نماز را به صورت استرسال (دست باز) بخوانم جانم در خطر است، باید برای حفظ جان به صورت تکتف نماز بخوانم. این آیات، از آیات عمومی است که ضرورت و وجوب تقیه را از آن استفاده می‌کنیم.

همان‌طور که در قضیه جنگ و صلاة خوف اینطور است، در «تقیه» هم می‌توانیم از این عمومات استفاده کنیم. البته این مسئله با صرف‌نظر از آیاتی است که ما صراحتاً در رابطه با تقیه داشتیم.

بر فرض اگر آیات مربوط به تقیه را هم نداشتیم، آیا از این عمومات می‌توانیم استفاده کنیم یا نمی‌توانیم؟! ظاهر قضیه این است که کاملاً می‌توانیم از این آیات شریفه استفاده کنیم.

ما باید دقت کنیم که تنها به آیاتی که صراحت دارد توجه نکنیم. در روایات وارد شده است که هر آیه‌ای بطنی دارد، بطن او هم بطنی دارد و تا هفت بطن یا هفتاد بطن ادامه دارد.

زمانی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کردند، قرآن را بیان می‌کنند به غیر آنچه مردم بیان می‌کردند. عبارت:

«یأتی بکتاب جدید»

الفوائد المدنية والشواهد المکیة، نویسنده: محمد أمين الإسترآبادی، السید نور الدین العاملی، ص ۵۳۳،

باب فائده

به معنای این نیست که حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) قرآنی غیر از آنچه در دسترس مردم قرار دارد را می‌آورند، بلکه حضرت قرآن را طوری معنا می‌کنند که مردم اصلاً آن معانی را از قرآن کریم متوجه نمی‌شدند.

آیت الله العظمی حکیم (رضوان الله تعالی علیه) در اول کتاب «مستمسک» یا کتاب «حقایق الأصول» خود، قضیه‌ای را در رابطه با یکی از مباحث اصولی نقل می‌کند و می‌گوید:

"ما محضر یکی از اساتید در نجف رفتیم و ایشان آیه‌ای را مطرح کردند. ایشان آیه را طوری معنا کردند که اصلاً به ذهن ما نمی‌آمد. ما تعجب کردیم که چرا این همه آیه را می‌خواندیم، اما این معنا به ذهن ما نمی‌آمد! ما فردای آن روز به ایشان مراجعه کردیم و ایشان آیه را غیر از آنچه دیروز معنا کرده بودند، معنا کردند. ما تعجب کردیم که چرا این همه قرآن خواندیم، این آیه را بارها خواندیم اما تاکنون چنین مطلبی به ذهن ما نیامد. روز سوم دیدیم ایشان آیه را طور دیگری معنا کردند."

ایشان در ادامه می‌گویند: "ما چهل روز نزد این استاد بودیم و ایشان هر روز آیه را طوری معنا می‌کرد، غیر از آنچه روز قبل معنا کرده بود و هرروز هم یک مطلب جدید اضافه می‌کردند."

ایشان می‌گویند که ما تازه فهمیدیم منظور روایت:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِيَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ»

عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، نویسنده: ابن اَبی جمهور، محمد بن زین الدین، محقق /

مصحح: عراقی، مجتبی، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۱۵۹

چیست و مراد از هفتاد بطن قرآن چه چیزی است. دشمنان ما به ائمه طاهرین (علیهم السلام) و خصوصاً امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرصت ندادند تا حقایق قرآن کریم را برای مردم بیان کنند.

امیدواریم ان شاءالله در آینده بسیار بسیار نزدیک فرزند امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیایند و قرآن کریم را  
آنگونه که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) میخواستند بیان کنند، اما دشمنان  
فرصت ندادند تا بیان کنند را بیان کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته